

# ژئوپولیتیک جزایر سه گانه

دکتر حسن حکمت‌نیا\*

خلیج فارس را در دست دارد. جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی سه جزیره از شش جزیره ایرانی هستند که به جزایر قوسی (Arc-Islands) مشهورند. اهمیت این جزایر از موقعیت نظامی شان مایه می‌گیرد که همچون دژ دفاعی تنگه هرمز شمرده می‌شوند. بنابراین محیط طبیعی سرزمین یعنی وجود این جزایر در مرز جنوبی ایران همواره بر سیاست‌های دست‌اندرکاران کشور اثر گذار بوده و این همان اثر «ژئوپولیتیک» جزایر است.

## اهمیت موضوع:

اهمیت تنگه هرمز آنرا به گونه نقطه‌ای بحرانی و داغ Hot Point در آورده است. مالکیت حقیقی این نقطه بحرانی و جزایر سه گانه از آن کدام کشور است؟ چرا موضوع مالکیت آنها در این سالها چالش برانگیز شده است؟ پایه حقوقی ادعاهای مطرح شده چیست؟ پشت پرده این ادعاها چه دسایسی پنهان است؟ پاسخ این پرسشها اهمیت موضوع را روشن خواهد ساخت.

ژئوپولیتیک یا سیاست جغرافیایی نقش عوامل محیطی - سرزمینی در یک کشور و اثر آن در رفتارهای ویژه با کشورها و در درون کشورها را بررسی می‌کند. این عوامل چنان اهمیتی در سیاست داخلی و خارجی یک کشور دارد که سیاستمداران بی توجه به آنها نمی‌توانند کنش یا واکنش مؤثر از خود نشان دهند. برای هر کشور در دانش ژئوپولیتیک دو عامل دارای اهمیت است:

۱- طول و عرض جغرافیایی

۲- جایگاه نسبی (جای قرار گرفتن کشور). از مهمترین عناصر این جایگاه نسبی، دوری یا نزدیکی به دریا و قرار گرفتن بر کنار تنگه‌هاست، بویژه اگر این دریاهای تنگه‌ها موقعیت بین‌المللی داشته باشند.

در این تنگه‌ها عوامل ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک دست به دست هم می‌دهند و خط زندگی (Life Line) را پدید می‌آورند. ایران نیمی از حاکمیت بر یکی از مهمترین تنگه‌های بین‌المللی یعنی تنگه هرمز را از آن خود ساخته است و در واقع نبض

## ت- تنگه هرمز:

درازای آن در امتداد خط عمودالمنصف ۱۸۷ و بر پایه تعریف کنونی ۳۱۰ کیلومتر و ژرفای آن در نزدیکی کناره ایران ۳۶ متر و در نزدیکی کرانه عمان ۱۴۴ متر است. تنگه هرمز هلالی شکل و طرف برجسته آن به سوی ایران و طرف فرو رفته آن به سوی عمان است. بنابراین ایران در تنگه هرمز بیشترین ساحل را دارد. اثر این تنگه بر اقتصاد، انرژی، رفت و آمد و جابه جایی نیروهای نظامی در خلیج فارس، آنرا به گونه يك نقطه فشار و کنترل (Check Point) در آورده است.

این تنگه از سه جهت اهمیت دارد: ژئواستراتژیک، ارتباط نظامی و اقتصادی و در این حالت، جغرافیا- انرژی، انرژی- اقتصاد، اقتصاد- امنیت و امنیت- ژئوپولیتیک.

## ۲- جزایر ایرانی

در ۱۶۰۲ صفویان توانستند پرتگالیها را شکست دهند و حاکمیت ایران را بر خلیج فارس و جزایرش برقرار سازند و این حاکمیت تا ۱۷۲۰ م ادامه داشت. پس از صفویان تاجپور کریم خان زند در ۱۷۵۷ م در مرزهای ایران بویژه در خلیج فارس آشفتگی پدید آمد و پس از آن اوضاع تثبیت شد. بر پایه پیمانی میان انگلستان و شیخ نشین بحرین در ۱۸۶۱ م این جزیره از ایران جدا شد و کاری از دست ایران بر نیامد. کاپیتان بروکس انگلیسی در ۱۸۲۰ جزایر سه گانه را در نقشه رسمی خود از آن ایران دانسته است.

## سالشمار جزایر ایرانی:

۱۸۱۱: جزایر قشم و هرمز به فرمان فتحعلیشاه به سید سلطان بن احمد واگذار شد.

ادعای امارات و پشتیبانی سران عرب از آن، زمینه ساز زدوبندهای سیاسی ویژه ای در کنار مهمترین تنگه بین المللی شده است و زمزمه ارجاع این ادعا به دیوان لاهه و پشتیبانی آمریکا از آن، بر اهمیت موضوع می افزاید. باید دید مالکیت واقعی این جزایر از آن کدام کشور است و آمریکا از این پشتیبانی در پی چه منافعی است؟

## ۱- موقعیتها

## الف- خلیج فارس:

این خلیج در جنوب باختری آسیا و در جنوب ایران قرار گرفته و به سبب پیشرفت آن در سرزمین ایران بیش از کشورهای دیگر، مالکیت آن از دیرباز از ایرانیان بوده و نویسندگان عرب آن را سرزمین پارس دانسته اند. (مجتهدزاده، ۱۳۵۴، ص ۶۰) درازای آن از دهانه اروند رود تا تنگه هرمز نزدیک به ۱۲۰۰ و پهنای آن از ۱۸۵ تا ۳۳۰ کیلومتر است. بیشترین ژرفای آن ۹۲ متر و در تنگه بیش از یکصد متر و وسعت آن نزدیک به ۲۲۲ هزار کیلومتر است.

حاکمیت بر کرانه شمالی در دست ایران است و در کرانه جنوبی کشورهای عراق، کویت، قطر، عربستان، بحرین و امارات عربی متحده مالکیت دارند. حاکمیت بر بخش شمالی تنگه هرمز از آن ایران است و عمان بر بخشهای جنوبی آن حاکمیت دارد.

## ب- تنب بزرگ:

این جزیره با وسعتی نزدیک به ۱۱ کیلومتر مربع در جنوب جزیره قشم واقع شده است. جزیره ابوموسی در جنوب، عمان در خاور و تنب کوچک در باختر آن قرار گرفته است. دوری این جزیره تا جزیره قشم ۳۱ تا تنب کوچک ۱۲ تا ابوموسی ۵۰ و تا جزیره الحمراء در رأس الخیمه ۸۲ کیلومتر است.

## پ- تنب کوچک:

با وسعت ۲ تا ۲/۵ کیلومتر مربع در جنوب بندر لنگه و در باختر تنب بزرگ قرار دارد. (نقشه ۱) دوری آن تا بندر لنگه ۵۰، تا رأس الخیمه ۹۲ و تا تنب بزرگ نزدیک به ۱۳ کیلومتر است.

## ○ ادعای امارات چه از دید تاریخی و چه از

دید حقوقی بی پایه است و پشتیبانی برخی کشورهای عربی و غربی از این ادعا چیزی نیست جز يك بازی سیاسی کوتاه بینانه.

بریتانیا آن را نپذیرفت.

۱۹۳۰: وزارت جنگ ایران اعلام کرد که پرچم بریتانیا در سه جزیره برافراشته شده است.  
 ۱۹۳۴: شیخ رأس الخیمه پرچم خود را در حضور ایرانیان باین کشید و بریتانیا به این کار اعتراض کرد (این امر مشکوک است).  
 ۱۹۳۵: جزایر قشم و هنگام از انگلستان پس گرفته شد. (همان، ص ۶)  
 ۱۹۴۸: بریتانیا جلوی گشایش دفاتر دولتی ایران در جزایر سه گانه را گرفت.

۱۹۴۹: شایع شد که ایران موضوع را به سازمان ملل متحد خواهد برد.  
 ۱۹ مه ۱۳۴۹: دولت ایران حقوق خود را در بخش فلات قاره اعلام کرد.

۱۹۵۳: در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق يك رزمناو ایرانی گروهی را در ابوموسی پیاده کرد و گزارش رسید که ایران سرگرم تدارک نیرو برای گرفتن کامل سه جزیره است و نیروی هوایی بریتانیا چند هفته پروازهای شناسایی انجام داد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶)

۱۹۶۱: در دوران نخست‌وزیری دکتر علی امینی يك فروندهلی کوپتر در تنب بزرگ فرود آمد که دو نفر آمریکایی از سر نشینانش بودند.

۱۹۶۲: ایران در دوران نخست‌وزیری اسدالله علم توانست جزیره سیری را پس بگیرد. چهار ماه بعد در همین سال سفارت انگلستان از سوی شیخ رأس الخیمه اعتراض کرد و در ۵ سپتامبر ایران پاسخی سخت به این اعتراض داد و بار دیگر حاکمیت خود را یادآور شد.

۱۹۶۸: «رایت» سفیر انگلیس در تهران به دربار رفت و در دیدار با امیر اسدالله علم گفت: «... جزایر قطعاً به ایران داده خواهد شد.» (افشار، ۱۳۷۴، ص ۷۶)  
 ایران سیاست دوستانه خود را تا ۱۹۷۱ با امیر نشینها ادامه داد و سرانجام «در نهم آذر ماه ۱۳۵۰، ۱۹۷۱ میلادی، پس از ۸۰ سال جدایی، جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی مجدداً تحت سلطه ایران قرار گرفتند و پرچم ایران بر فراز بلندترین قله ابوموسی به اهتزاز

○ دریای سرزمینی ایران یکسره تا ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی ادامه می‌یابد.  
 از سوی دیگر، دوری شارجه تا ابوموسی ۶۴ کیلومتر یعنی بیش از دو برابر پهنای دریای سرزمینی (۲۴ مایل) است.

۱۸۸۷: برای نخستین بار انگلستان بر این جزایر ادعای حاکمیت کرد.

۱۹۰۲: میان ایران و روسیه پیمانی سیاسی به امضا رسید و بریتانیا از نفوذ روسیه در خلیج فارس نگران شد و در ۱۹۰۳ این سه جزیره را بی‌آگاهی دولت ایران به شیوخ قاسمی شارجه بخشید و در ژوئن همان سال فرماندار انگلیسی هند به شیوخ قاسمی دستور داد پرچم خود را در این سه جزیره برافرازد.

۱۹۰۴: پس از تصرف این جزایر از سوی انگلیس و با همراهی شارجه، ادعای مالکیت و حاکمیت انگلیس بر این جزایر بار دیگر مطرح و در ۱۹۲۶-۱۹۲۳ و ۱۹۲۷ تکرار شد.

۱۹۲۷: نیروهای ایرانی به این سه جزیره وارد شدند و یک قایق عربی را در آبهای ابوموسی بازداشت کردند.  
 ۱۹۲۸: آشکار شد تا آنجا که به ایران مربوط است، پس از اعتراض ۱۹۰۴ هیچ پرچمی که نشانه هویت باشد در این سه جزیره برافراشته نبوده است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۲، ص ۲۵۹)

در همان سال (۱۹۲۸) دولت ایران به جامعه ملل شکایت برد و خواستار بازگشت این سه جزیره به ایران شد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۵، ص ۷) در پایان همان سال ایران این سه جزیره را گرفت و در برابر اعتراض بریتانیا، گفت که این کار بر پایه مقررات بین‌المللی صورت گرفته است.

۱۹۲۹: ایران بار دیگر هشدار داد که موضوع مالکیت بر جزایر را به سازمان ملل متحد می‌برد ولی

در آمد.» (تلاش، ش ۳۱، ۱۳۵۰، ص ۸۳)

### ۳- فراخوانی نیروهای بریتانیا از منطقه

دولت بریتانیا در ۱۹۶۸ اعلام کرد که نیروهای خود را از خاور سوئز بیرون خواهد برد و امنیت خلیج فارس بر دوش دولتهای منطقه قرار گرفت. در همین سال شاه از عربستان دیدار کرد و شایع شد که درباره جزایر گفتگوهای صورت گرفته است.

۱۹۷۱: شاه در مصاحبه‌ای در سویس گفت که این جزایر از آن ایران است و ما نقشه‌هایی در دست داریم که مؤید آن است؛ او در مصاحبه‌ای دیگر گفت: این جزایر بخشی از ایران است و ۸۰ سال پیش که حکومت ایران ضعیف شده بود از سرزمین مادری‌اش جدا شد و بریتانیا قول داد که هیچ برچمی در آنجا نباشد. اگر مسئله حل نشود، جزایر را با زور پس خواهیم گرفت.

۸ مه ۱۹۷۱: یک سخنگوی دولت ایران گفت به کشتیهای جنگی دستور داده شده است هر هواپیمای خارجی را بر فراز جزایر هدف قرار دهند و بریتانیا اعلام کرد که هیچ پرواز تهدیدآمیزی انجام نشده است. «در همین سال... حاکم شارجه... به اشغال مشترک ابوموسی رضایت داد.» (میرحیدر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۶).  
نوامبر ۱۹۷۱ (هفت ماه بعد): «یک روز قبل از این که قرار بود بریتانیا این جزایر را به رأس الخیمه بدهد ایرانیها جزایر را تصرف کردند.» (همان، ص ۱۶۹)

### ۴- تفاهم

۲۹ نوامبر ۱۹۷۱: تفاهم زیر صورت می‌گیرد:

۱- نیروهای ایرانی وارد ابوموسی خواهند شد و نواحی مورد توافق بر روی نقشه را تصرف خواهند کرد.

۲- ایران پرچمش را در نواحی زیر کنترل خود بر خواهد افراشت.

۳- شارجه بر دیگر نقاط جزیره صلاحیت کامل خواهد داشت و پرچم خود را بر خواهد افراشت.

۴- ایران و شارجه چارچوب آبهای سرزمینی جزیره ابوموسی را در ۱۲ مایلی برابر قانون آبهای سرزمینی ایران می‌پذیرند.

۵- پیمانی در مورد کمک مالی ایران به شارجه به امضاء خواهد رسید.

بدین سان، در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱، نیروهای ایرانی در سه جزیره پیاده شدند و نماینده شیخ شارجه به پیشواز آنها رفت.

### ۵- پشت پا زدن به تفاهم

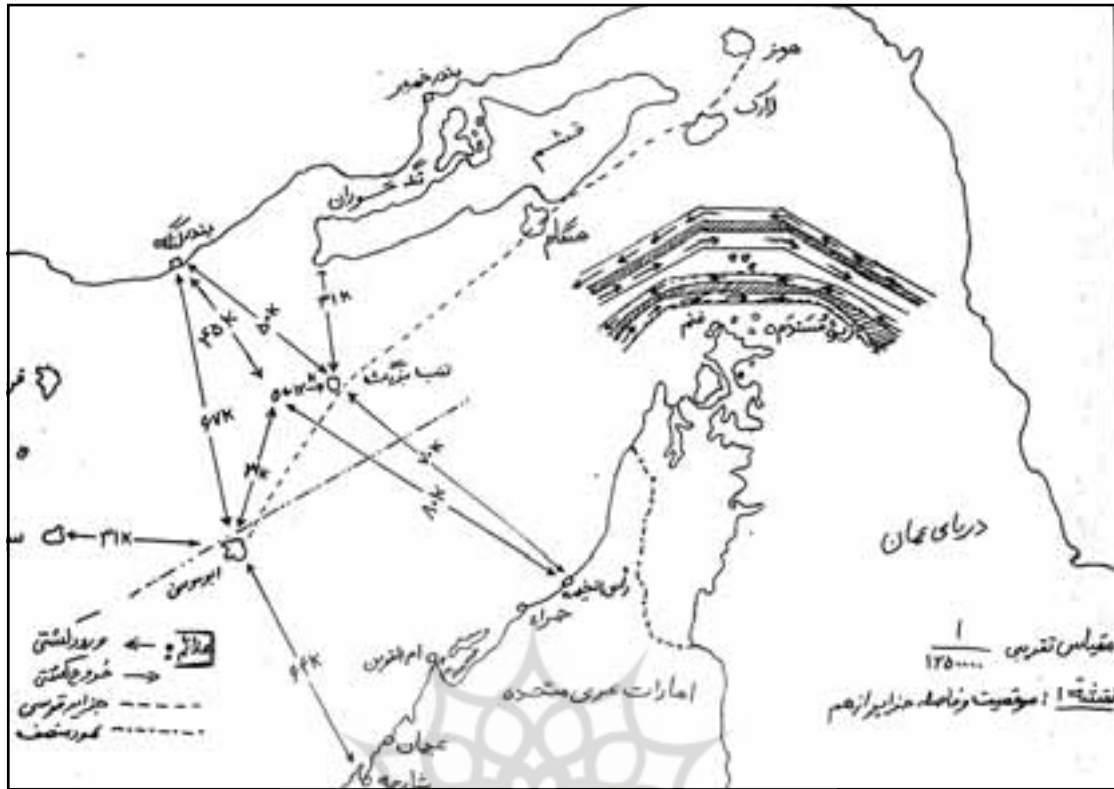
یک هفته پس از این تفاهم، یعنی در ۷ دسامبر ۱۹۷۱، حاکم شارجه در گفتگو با الاهرام گفت: به نظر شارجه توافق با ایران اثر چندانی بر حاکمیت جزایر ندارد؛ این توافق موقتی است و برای رفع بحران و جلوگیری از خونریزی صورت گرفته است!

شورای امنیت سازمان ملل متحد در نهم دسامبر ۱۹۷۱ (دو روز بعد) برای رسیدگی به شکایت عراق، لیبی، یمن جنوبی و الجزایر در مورد پس گرفته شدن این جزایر از سوی ایران نشستی برگزار کرد. پس از سخنرانی نمایندگان دولتهای یادشده، نماینده ایران اعلام کرد که مسئله این جزایر مسئله‌ای داخلی است و شکایت وارد کرد. سرانجام «ابی فرح» نماینده سومالی پیشنهاد کرد که شکایت به کناری نهاده شود و این پیشنهاد به تصویب شورای امنیت رسید. بدین سان، موضوع پایان یافته شمرده شد تا اینکه در ۱۹۹۲ این ادعای بی پایه

○ ایران نیمی از حاکمیت بر یکی از

مهمترین تنگه‌های بین‌المللی یعنی تنگه هرمز را از آن خود ساخته است و در واقع نبض خلیج فارس را در دست دارد. جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی سه جزیره از شش جزیره ایرانی هستند که به جزایر قوسی مشهورند. اهمیت این جزایر از موقعیت نظامی شان مایه می‌گیرد که همچون دژ دفاعی تنگه هرمز شمرده می‌شوند.

نقشه ۱: موقعیت و فاصله جزایر از هم



بار دیگر مطرح شد.

۶- ادعای تازه و دستاویزها

همپیمانانش در ۱۹۹۱ به عراق یورش بردند. در این بیست سال امارات دم فرو بسته و ادعا نسبت به سه جزیره ایرانی را کنار گذاشته بود.

چندی پس از تفاهم ۱۹۷۱ و نشست شورای امنیت، انقلاب اسلامی ایران رخ داد و معادلات پیشین منطقه‌ای بر هم خورد. در پی آن، تجاوز عراق به ایران و جنگ هشت ساله منطقه را به آشوب کشید. در ۱۹۹۰ عراق به کویت حمله کرد و به تلافی آن، نیروهای آمریکای

در آوریل ۱۹۹۲ ایران از ورود شماری از هندوها، پاکستانیها و فیلیپینیها (که در استخدام امارات بودند و بی آگاهی ایران می خواستند به جزیره ابوموسی وارد شوند) جلوگیری کرد. پیش از آن هم نیروهای ایرانی يك هلندی مسلح در آبهای جزیره ابوموسی را دستگیر و زندانی کرده بودند. خرازی نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره گفت که بازداشت این گروه به این سبب بوده که آنها از اتباع امارات نبوده اند. ولایتی وزیر وقت امور خارجه نیز گفت که بر پایه پیمان ۱۹۷۱ تنها اتباع امارات حق ورود به این جزیره را دارند.

○ ایران در تنگه هرمز بیشترین ساحل را دارد. اثر این تنگه بر اقتصاد، انرژی، رفت و آمد و جابه جایی نیروهای نظامی در خلیج فارس، آنرا به گونه يك نقطه فشار و کنترل در آورده است.

۲۴ اوت ۱۹۹۲: مأموران ایرانی از ورود شماری آموزگار مصری به ابوموسی جلوگیری کردند.

دسامبر ۱۹۹۲: شورای همکاری خلیج فارس از ادعای امارات پشتیبانی کرد.

۱۹۹۴ و ۱۹۹۵: شیخ زاید رئیس امارات گفت که



کارشناسان، ادعاهای رهبران امارات چیزی نیست جز دستاویزی برای دامن زدن به بازیهای سیاسی برضد ایران و جدایی افکنی میان اعراب و ایران». (مجتهدزاده، ۱۳۷۷، ص ۱۲)

پس از رویدادهای تروریستی ۱۳۸۰/۶/۲۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱)، آمریکا طالبان و اسامه بن لادن را مسئول این کار دانست و طالبان از اسامه بن لادن پشتیبانی کردند (در حقیقت رهبر اصلی و بنیانگذار طالبان بن لادن و حزب وی القاعده است). سپس نیروهای آمریکا و همپیمانانش به افغانستان یورش بردند؛ حکومت طالبان سرنگون شد و امارات این اهرم فشار را از دست داد.

## ۷- تأثیر و تأثر

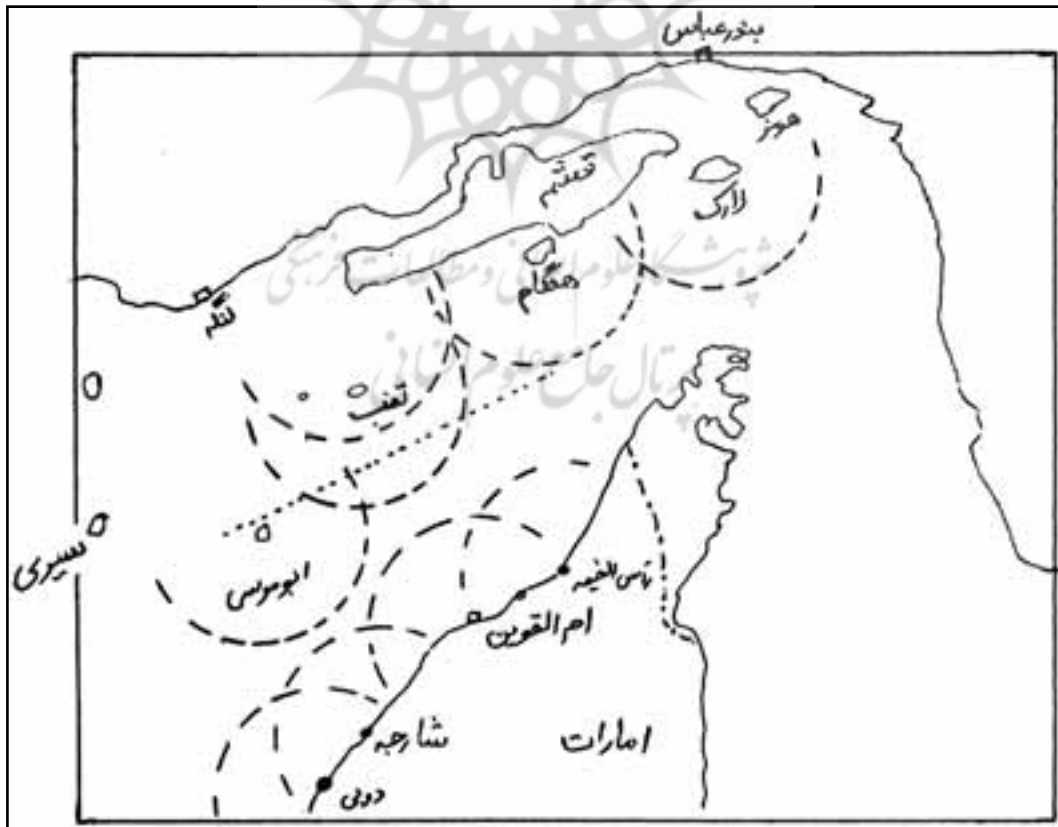
در اینکه حاکمیت ایران بر این جزایر، قدرت ملی را افزایش می‌دهد جای چون و چرا نیست. نکات زیر در

کشورش از گفتگو با ایران درباره جزایر استقبال می‌کند.

۱۹۹۶: کابل پایتخت افغانستان به تصرف نیروهای طالبان درآمد و این گروه که از آغاز میانه خوبی با ایران نداشتند، بر بخشهای بزرگی از خاک افغانستان چنگ انداختند و «امارات متحده عربی، پاکستان و عربستان تا فروپاشی طالبان تنها کشورهای بودند که طالبان را به رسمیت شناختند». (ورجوند، ۱۳۷۷، ص ۵۲) امارات می‌خواست از این راه به ایران فشار آورد و چون رفته رفته میان طالبان و ایران دشمنی پدید آمد، «عربستان حدود ۵/ و امارات متحده عربی بیش از ۳ میلیارد دلار به طالبان کمک کردند.» (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۴)

امارات به کمکهای خود به طالبان ادامه داد، برای آنها نفربرهای مخصوص خرید و بی گمان اختلاف با ایران بر سر جزایر سه گانه، عامل اصلی کمک امارات به طالبان بود. (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۳۲) «به هر رو، از دید برخی

## نقشه ۲: موقعیت تقریبی جزایر و عرض آبهای سرزمینی آنها



این زمینه اهمیت دارد:

۱- وسعت و جمعیت چشمگیر منطقه.

۲- وجود کرانه‌های گسترده‌تر در بخش شمالی خلیج فارس؛

۳- نیروی نظامی و قدرت اقتصادی برتر ایران در منطقه؛

۴- توپوگرافی مناسب در کناره شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز برای گسترش و آرایش نظامی به منظور دفاع از تنگه هرمز؛

۵- برخورداری ایران از نیروی دریایی منظم و کارا؛  
۶- برخورداری ایران از جزایر قوسی منظم و پیوسته و استراتژیک؛

۷- برخورداری ایران از مالکیت ۵۰ درصدی تنگه هرمز؛

۸- توانایی ایران در نگهداری ثبات و امنیت در تنگه هرمز و خلیج فارس.

## ۸- حقوق دریایی

### الف: حق تاریخی

- «ادعای ایران بر این جزیره (ابوموسی) بر اساس ضابطه‌ای تاریخی است؛ به این معنی که این جزیره را بطور مستمر تا قرن نوزدهم در اختیار داشته است و حتی در زمان قاجاریه در تملک ایران بوده و زیر نظر والی بندرلنگه اداره می‌شده است.» (درایسول و بلیک، ۱۳۷۳، ص ۱۶۸) و «در اصل آبهای تاریخی به آبهای اطلاق می‌شود که برای مدتی طولانی و بطور متمرکز مورد استفاده يك دولت ساحلی قرار گرفته باشند بدون اینکه مورد ادعای دولت دیگری بوده باشند.»

(میرحیدر، ۱۳۷۱، ص ۱۶۴)

- «جزایر تنب بزرگ و کوچک از آغاز تاریخ مکتوب به ایران تعلق داشته چنانکه همه جزیره‌ها و کرانه‌های خلیج فارس از ۵۵۰ سال پیش از میلاد تا ۶۵۱ پس از میلاد در اختیار ایران بوده است.» (مجتهدزاده، ۱۳۷۳، ص ۶)

- از دوران صفویان، فرمانداری بندر لنگه شامل ... و جزیره‌های تنب بزرگ و کوچک و سیری و کیش

می‌شده است. (همان)

### ب- حق بین‌المللی

- برپایه ماده سوم کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۹۸۲ - حداکثر عرض دریای سرزمینی ۱۲ مایل دریایی (۲۲/۵ کیلومتر) است (حافظ نیا، ۱۳۷۱، ص ۳۸۴) و سه کنوانسیون از سوی سازمان ملل در ۱۹۵۸، ۱۹۶۰ و در ژنو و ۱۹۸۲ در جامائیکا منعقد شده که در آنها پهنای دریای سرزمینی حداقل ۳ و حداکثر ۱۲ مایل دریایی تعیین شده است. (همان، ص ۱۵۴)

برای اندازه‌گیری این مسافت از پایین‌ترین حد جزر به نام خط مبدأ آغاز می‌کنند و در طول ساحل ۱۲ مایل به سوی دریا پیش می‌روند. البته در فرورفتگی‌ها و برآمدگی‌ها، شکل کار متفاوت است. «با توجه به این قانون تمامی آبهای بین جزایر قشم، لارک، هرمز، هنگام و لاوان با بدنه کشور یکی شده و جزء آبهای داخلی محسوب می‌شود و در اسناد سازمان ملل ضبط گردیده است.» (افشار سیستانی، ۱۳۷۴، ص ۸) بنگرید به نقشه ۲. بنابراین از آخرین حد جزیره قشم باید عرض دریای سرزمینی را تا ۱۲ مایل (۲۲/۵ کیلومتر) ادامه دهیم و از سوی تنب بزرگ هم به سوی قشم ۱۲ مایل حرکت کنیم؛ ولی در واقع دوری این دو جزیره کمتر از ۲۴ مایل (۴۴/۵ کیلومتر) است (نقشه‌های شماره ۱ و ۲) و همین وضع در مورد تنب کوچک و ابوموسی هم راست می‌آید. بنابراین دریای سرزمینی ایران یکسره تا ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی ادامه می‌یابد. (نقشه ۲)

از سوی دیگر، دوری شارجه تا ابوموسی ۶۴ کیلومتر یعنی بیش از دو برابر پهنای دریای سرزمینی (۲۴ مایل) است، در صورتی که برپایه کنوانسیون سوم حقوق دریاها منطقه دریای سرزمینی و منطقه نظارت روی هم رفته می‌تواند ۲۴ مایل دریایی (۴۴/۵ کیلومتر) پهناداشته باشد. (میرحیدر، ۱۳۷۱، ص ۱۶۷) بنابراین اگر از ابوموسی ۱۲ مایل پیش برویم و از شارجه هم به سوی ابوموسی ۱۲ مایل پیش بیایم این دو خط به هم نمی‌رسند و در آنجا قوانین دریای سرزمینی حاکم است

۳. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۱) خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت.
۴. درایسول و بلیک. (۱۳۷۳) جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: وزارت امور خارجه.
۵. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۷۱) ژئوپولیتیک، تهران: سمت.
۶. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۷۳) ژئواستراتژی، تهران: سمت.
۷. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۲) کشورها و مرزها در خلیج فارس، ترجمه نوری، تهران: وزارت امور خارجه.
۸. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۵۴) جغرافیای تاریخی خلیج فارس تهران: دانشگاه تهران.
۹. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۵) جزایر تنب و ابوموسی، ترجمه نوری، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۳) «نگاهی به ادعای امارات...»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، س ۸، ش ۹-۱۰.
۱۱. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹) «جهان سیاسی در سالی که گذشت»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۵۱-۱۵۲.
۱۲. مشگینی، قدیر. (۱۳۷۷) «استیلا طالبان...»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۳۳-۱۳۴.
۱۳. میرحیدر، دره. (۱۳۷۱) مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
۱۴. ورجاوند، پرویز. (۱۳۷۷) «بحران دیپلماسی در...»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۲۸-۱۲۷.

و میان این دو نقطه آب آزاد وجود دارد و کشتیها حق گذر بی‌زیان دارند؛ در صورتی که اگر فاصله میان جزیره ساحلی و خط مبدأ دو برابر عرض سرزمینی ادعایی یا کمتر از آن باشد آب آزاد وجود نخواهد داشت. (مشگینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷)

به سخن دیگر، چون فاصله جزیره ابوموسی از شارجه بیش از ۲۴ مایل (دست کم ۶۰ کیلومتر) و فاصله رأس الخیمه تا تنب بزرگ دست کم ۷۰ کیلومتر است، در آنجا آب آزاد وجود دارد ولی بین هیچ یک از جزایر ایرانی تا قشم آب آزاد وجود ندارد چون دوری آنها از یکدیگر کمتر از  $12 \times 2 = 24$  مایل است. بدین سان ادعای امارات چه از دید تاریخی و چه از دید حقوقی بی‌پایه است و پشتیبانی برخی کشورهای عربی و غربی از این ادعا چیزی نیست جز یک بازی سیاسی کوتاه‌بینانه.

## منابع

۱. احمدی، حمید. (۱۳۷۷) «طالبان و...»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۳۱-۱۳۲.
۲. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۴) جزیره ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، تهران: وزارت امور خارجه.